



نقد و بررسی: ویرایش و گزارش دیباچه شاهنامه بر پایه نسخه سن ژوزف

پدیدآورده (ها) : آیدنلو، سجاد
کتابداری، آرشیو و نسخه پژوهی :: کتاب ماه ادبیات :: فروردین 1393 - شماره 84
از 2 تا 7
آدرس ثابت : <http://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/1021661>

دانلود شده توسط : مهدی ابراهیمی
تاریخ دانلود : 22/03/1395

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) جهت ارائه مجلات عرضه شده در پایگاه، مجوز لازم را از صاحبان مجلات، دریافت نموده است، بر این اساس همه حقوق مادی برآمده از ورود اطلاعات مقالات، مجلات و تألیفات موجود در پایگاه، متعلق به "مرکز نور" می باشد. بنابر این، هرگونه نشر و عرضه مقالات در قالب نوشتار و تصویر به صورت کاغذی و مانند آن، یا به صورت دیجیتالی که حاصل و بر گرفته از این پایگاه باشد، نیازمند کسب مجوز لازم، از صاحبان مجلات و مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) می باشد و تخلف از آن موجب پیگرد قانونی است. به منظور کسب اطلاعات بیشتر به صفحه [قوانین و مقررات](#) استفاده از پایگاه مجلات تخصصی نور مراجعه فرمائید.



ویرایش و گزارش دیباچه شاهنامه بر پایه نسخه سن ژوزف

دکتر سجاد آیدنلو*

در پی چاپ نسخه برگردان دست‌نویس مهم سن ژوزف، مقالات دیگری درباره آن نوشته شده و تصحیحات و ویرایش‌های جدیدی از شاهنامه با توجه به ضبط‌های این نسخه صورت گرفته است که خوانندگان گرامی نام و مشخصات این پژوهش‌ها و کتب را در توضیحات و ارجاعات ادامه مقاله و فهرست منابع خواهند دید. تازه‌ترین این تحقیقات تا هنگام نگارش گفتار حاضر، جلد نخست کتاب نامه خسروان با عنوان فرعی گزارش و ویرایش شاهنامه براساس دست‌نویس سن ژوزف (بیروت) به کوشش دکتر غلام‌محمد طاهری مبارکه است. در این اثر پس از پیشگفتار و مقدمه‌های درباره برخی نسخ و چاپ‌های شاهنامه، معرفی دست‌نویس سن ژوزف و گزارش روش کار، متن ویراسته دیباچه در ۱۹۵ بیت بر پایه نسخه اساس آمده و پس از آن در دو بخش «گزارش بیت‌ها» و «یادداشت‌های بیت‌ها» برای هر بیت معنا و توضیحی نوشته شده است. سپس با مقایسه ضبط ابیات دست‌نویس اساس با نسخه‌های تصحیح دکتر خالقی مطلق و متن شاهنامه چاپ مسکو، اختلافات نگاشته‌ها در بخش «دگرنویسی نسخه‌ها» داده شده و در پایان پیوستی شامل مقدمه شاهنامه ابومنصوری (طبق تصحیح مرحوم علامه قزوینی)، مبحث «مذهب فردوسی» با استفاده از نظریات و مقالات زنده‌یاد استاد محیط طباطبایی، روان شاد دکتر زریاب خویی و دکتر مهدوی دامغانی و اشاره‌ای به «افسانه فردوسی و محمود» افزوده شده است. همان‌گونه که از نام فرعی/ دوم کتاب برمی‌آید، مقصود محقق محترم در این پژوهش - که مجلدات متعددی دیگری هم در پی خواهد داشت - ویرایش شاهنامه براساس تک‌نسخه سن ژوزف یا به بیانی دقیق‌تر عرضه چاپ حروفی متن این دست‌نویس است که ضبط‌های آن با دو نسخه لندن/ بریتانیا (۶۷۵ ق) (با استفاده از چاپ عکسی این نسخه) و قاهره (۷۴۱ ق) (به‌استناد نسخه‌های تصحیح دکتر خالقی مطلق) و دو چاپ مسکو و دکتر خالقی مطلق و

خوشبختانه در سه دهه گذشته تقریباً در هر ده سال یک اتفاق فرخنده در زمینه نسخه‌شناسی شاهنامه روی داده است. در سال‌های ۱۳۵۸ و ۱۳۵۹ کهن‌ترین دست‌نویس شناخته‌شده حماسه ملی ایران یعنی نسخه موزه فلورانس ایتالیا (۶۱۴ ق) در مجله آینه معرفی شد و در سال ۱۳۶۹ به‌صورت چاپ عکسی در دسترس همگان قرار گرفت. در سال‌های ۱۳۷۱ و ۱۳۷۲ نسخه متعلق به خاندان سعدلو که احتمالاً کتاب سده هشتم است، شناسایی شد و به سال ۱۳۷۹ به چاپ عکسی رسید. سرانجام نیز در همایش روز بزرگداشت فردوسی در مشهد به تاریخ ۲۴ و ۲۵ اردیبهشت ۱۳۸۶، دکتر مصطفی موسوی، عضو هیئت‌علمی گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه تهران - که دو سال (۱۳۸۴ و ۱۳۸۵) در دانشگاه دولتی لبنان مشغول تدریس و تحقیق بود - مزده وجود دست‌نویسی کهن از شاهنامه را در کتابخانه مکتبه‌الشرقیه دانشگاه سن ژوزف بیروت داد. وی در سخنرانی خویش به معرفی آن نسخه پرداخت و احتمال داد که قدمت آن به سده هشتم بازگردد (رک: موسوی، ۱۳۸۶: ۲۹ و ۳۰). این خبر بسیار مورد توجه شاهنامه‌پژوهان حاضر در آن همایش - که نگارنده نیز بخت و افتخار حضور در میان آنان را داشت - قرار گرفت و مقالاتی در معرفی این نسخه - به قلم خود دکتر موسوی و همچنین دکتر خالقی مطلق در مجله نامه بهارستان^۱ - به رشته تحریر درآمد. در نهایت نیز با کوشش‌های شادروان استاد ایرج افشار، دکتر محمود امیدسالار و آقای نادر مطلبی کاشانی چاپ عکسی درخوری از آن در سال ۱۳۸۹ از سوی انتشارات طلایه در تهران منتشر و احتمال تعلق آن به اواخر قرن هفتم و اوایل سده هشتم تأیید شد. علاوه بر قدمت این دست‌نویس، بررسی دقیق متن آن نیز نشان داد که نسخه نویافته سن ژوزف، معتبر و تقریباً در طراز دیگر دست‌نویس‌های کهن و ارزشمند از جمله فلورانس (۶۱۴ ق) و لندن/ بریتانیا (۶۷۵ ق) است.^۲



* نامه خسروان: گزارش و ویرایش شاهنامه بر اساس دستنویس سن ژوزف (بیروت)، جلد اول: دیباچه شاهنامه *
 به کوشش غلاممحمد طاهری مبارکه *
 چاپ اول، ۱۳۹۲، تهران: اراد کتاب *
 ۳۶۸ صفحه، وزیری (گالینگور)، ۱۰۰۰ نسخه، ۱۵۰۰۰۰ ریال *

کتاب
 ادبیات

شماره ۸۴ (پیاپی ۱۹۸) - فروردین ماه ۱۳۹۳

دیگر شاهنامه‌پژوهان درباره کلیت این کار است. سؤال نخست و اساسی این است که آیا به لحاظ اصول علمی متن‌شناسی، ویرایش شاهنامه طبق یک نسخه ممکن و پذیرفتنی است؟ می‌دانیم که از حماسه ملی ایران حدود هزار نسخه خطی - و شاید بیشتر - در کتابخانه‌ها و مجموعه‌های عمومی و شخصی سراسر جهان وجود دارد و به دلیل اقبال ویژه‌ای که از زمان نظم این اثر به کتابت و خواندن آن بوده است، کاتبان و خوانندگان تصرفات فراوانی در دست‌نویس‌های کتاب انجام داده‌اند؛ به طوری که شاید نتوان دو نسخه خطی از شاهنامه را یافت که هیچ اختلافی نداشته باشند. بنابراین هیچ دست‌نویس کهن و معتبر این منظومه نمی‌تواند به تنهایی مبنای ویرایش یا تصحیح شاهنامه قرار گیرد (به جز نسخه‌ای که توسط خود فردوسی یا کاتب احتمالی نوشته شده باشد که فعلاً از چنین نسخه‌ای نام و نشانی نیست)؛ زیرا بی‌گمان این نسخه‌ها از دستبرد، ساده‌گردانی، افتادگی و افزودگی برکنار نبوده‌اند. نتیجه استناد به یک نسخه و فقط اصلاح برخی اشکالات آن در نهایت کاری خواهد بود مشابه شاهنامه چاپ مسکو که به سبب همین شیوه خودکار (مکانیکی) و تابعیت بسیار از متن نسخه اساس همواره مورد انتقاد مصححان و محققان شاهنامه بوده است (برای نمونه، رک: خالقی مطلق، ۱۳۹۰ الف: ۲۶۵-۲۶۸؛ خطیبی، ۱۳۸۵: ۱۵۵-۱۶۹ و ۱۸۱-۲۰۲). روش علمی و درست برای تصحیح شاهنامه، انتخاب چندین دست‌نویس معتبر از میان انبوه نسخ آن و اساس قرار دادن معتبرترین آن‌ها و مقابله آن با بقیه نسخه‌ها و گزینش صورت نهایی طبق معیارهایی است. در این شیوه که علمی - انتقادی نامیده می‌شود و به صورت عالمانه در تصحیح دکتر خالقی مطلق و دو همکارشان استفاده شده، ضبط گزیده لزوماً همان نگاشته دست‌نویس اساس نیست و مصحح بر اساس اصول و ضوابط معین و توجه به منابع فرعی / جانبی کار، وجه نهایی را به صورت تحقیقی و اجتهادی برمی‌گزیند (برای آشنایی کامل با معیارهای این روش، رک: خالقی مطلق، ۱۳۸۱: ۲۸۵-۳۱۲؛ همو، ۱۳۹۰ الف: ۲۶۳-۳۷۱؛ همو، ۱۳۹۰ ب: ۲۲۱-۲۶۲؛

نیز در صورت لزوم، چاپ عکسی دست‌نویس‌های فلورانس، سعدلو و حاشیه ظفرنامه مقابله و صورت‌های نادرست اصلاح و گاه ضبط‌های دیگر انتخاب شده است. گاه نیز بیت‌هایی از نسخ و چاپ‌های مورد مقایسه درون قلاب ([I]) در متن افزوده شده است. پژوهشگر ارجمند به‌درستی کار خویش را «ویرایش» نامیده‌اند، نه «تصحیح» (رک: طاهری مبارکه، ۱۳۹۲: ۵۰) و دلایل انجام این ویرایش را چنین ذکر کرده‌اند: هماهنگی و یکدستی متن ویراسته بر پایه یک نسخه، کمتر بودن بیت‌های الحاقی دست‌نویس سن ژوزف نسبت به نسخه‌های دیگر، بودن ضبط‌های ویژه و کهن در آن، هم‌اعتباری تقریبی آن با دست‌نویس‌های فلورانس و لندن، کامل بودن متن آن و نبود ویرایش شاهنامه بر اساس یک نسخه تا امروز (رک: همان: ۴۲ و ۴۳). درباره دلیل پایانی، یادآوری این نکته ضرورت دارد که پیش از این، ویرایش شاهنامه بر پایه تک‌نسخه صورت گرفته و آن کوشش شادروان دکتر عزیزالله جوینی است که متن دست‌نویس فلورانس (۶۱۴ ق) را با متن و نسخه‌بدل‌های دو چاپ مسکو و دکتر خالقی مطلق مقابله و پس از اصلاح خطاهای آشکار به‌همراه توضیحاتی در زیرنویس منتشر کرد (رک: فردوسی، ۱۳۷۵: هجده). جلد نخست این کتاب در سال ۱۳۷۵ و مجلد هفتم (تا پایان رزم یازده‌رخ) در سال ۱۳۹۱ چاپ شده^۲ و به لحاظ روش تقریباً مشابه ویرایش دکتر طاهری مبارکه است. دیگر اینکه می‌توان شاهنامه چاپ مسکو - و چند تصحیح پس از آن - را به سبب پیروی بیش از حد از متن نسخه اساسشان (لندن / بریتانیا، ۶۷۵ ق) به‌رغم مقابله با نسخ دیگر تصحیح شاهنامه بر اساس یک نسخه دانست که باز مقدم بر کار کنونی محسوب می‌شوند. همچنین این جمله ویراستار ارجمند که «ویراستاری بر اساس یک نسخه از شاهنامه تاکنون انجام نگرفته است» (ص ۴۳) با جمله دو سطر بالاتر خود ایشان که «فلورانس و لندن تاکنون اساس ویرایش چندین باره تصحیح شاهنامه قرار گرفته‌اند» (ص ۴۳) تناقض دارد. اما هدف اصلی نگارنده از نوشتن این یادداشت، طرح سه پرسش، نکته و پیشنهاد برای توجه و احتمالاً اظهار نظر ویراستار گرامی و

الف) بخش گزارش و یادداشت‌های ابیات

۱. به نام خداوند جان و خرد

کزین برتر اندیشه بر نگذرد

(بیت ۱ دیباچه)

بیت چنین معنا شده است: «از این بهتر و شایسته‌تر، بر اندیشه آدمی نمی‌گذرد که سخن را به نام خداوندی آغاز کنیم که آفرینندهٔ جان (روح، نفس) و خرد (عقل و تدبیر و دانایی) است.» (ص ۶۷). گزارش بیت نخست شاهنامه با این جمله‌بندی کاملاً دقیق نیست و وجه دیگری برای آن پیشنهاد می‌شود: «سخن را با نام خداوند آفرینندهٔ جان و عقل آغاز می‌کنم؛ خدایی که تفکر آدمی وصفی برتر از خالق جان و خرد برای یادکرد او نمی‌یابد.»

۲. خرد گر سخن برگزیند همی

همان را گزیند که بیند همی

(بیت ۱۰)

در گزارش مصراع نخست نوشته‌اند: «اگر خرد آدمی به زبان بیاید و بخواهد که سخن گوید...» (ص ۶۸). به نظر نگارنده تعبیر «سخن گفتن خرد» از این مصراع بر نمی‌آید، بلکه منظور سخن گفتن خود آدمی بر اساس درک و دریافت عقلانی اوست؛ از این رو چنین معنایی برای آن پیشنهاد می‌شود: «اگر انسان بخواهد در حدود فهم عقل خویش دربارهٔ خداوند سخن بگوید (وصف، تعبیر یا توضیحی در باب یزدان بیان کند)...»

۳. خرد تیره و مرد روشن روان؟

نباشد همی شادمان یک زمان

(بیت ۲۱)

این‌گونه معنی شده است: «مگر می‌شود آدمی کم‌خرد اما شادمان باشد؟ نه...» (ص ۶۹). یادآور می‌شود که قرائت مصراع نخست این بیت بحث‌انگیز دیباچه به صورت پرسشی و گزارش آن بر مبنای این خوانش از شادروان استاد کاظم برگ‌نیسی است (رک: برگ‌نیسی، ۱۳۸۶: ۲۳) و بهتر می‌نماید در زیرنویس به این مأخذ ارجاع داده شود.

۴. چو دیدار یابی به شاخ سخن

بدانی که دانش نیاید به بن

(بیت ۳۴)

«شاخ سخن» را تشبیه دانسته‌اند (رک: ص ۱۲۳) اما استعاره (مکنیه) دقیق‌تر است.

۵. پدید آمد این گنبد تیزرو

شگفتی نماینده شد نو به نو

(بیت ۴۳)

در توضیح مصراع دوم می‌خوانیم: «پس شگفتی‌های نو به نو همان است که شاعر در بیت‌های پسین بدان‌ها اشاره کرده است.» (ص ۱۳۱). با توجه به اعتقاد پیشینیان دربارهٔ ناشی شدن حوادث گوناگون از چرخ / آسمان، پیشنهاد می‌شود مصراع چنین معنا شود: «(گردون) منشأ کارها و رویدادهای عجیب در جهان و زندگانی انسان شد.»

خطیبی، ۱۳۸۶: ۵۳-۶۶). بنابراین تصحیح یا ویرایش شاهنامه بر اساس نسخهٔ سن‌ژوزف یا هر تک‌نسخهٔ دیگر به صورت حفظ عین متن این دست‌نویس‌ها و اصلاح برخی اغلاط یا افتادگی‌ها با بهره‌گیری از سایر نسخ و چاپ‌ها - همچنان که خود ویراستار ارجمند نیز اشاره کرده است (رک: طاهری مبارک، ۱۳۹۲: ۴۲) - روش علمی و مقبولی نیست^۴ و دست‌خوردگی‌ها و اشتباهات نسخهٔ مبنای ویرایش به‌طور کلی برجای خواهد ماند.

نکتهٔ دوم اینکه پس از شناسایی نسخهٔ سن‌ژوزف بیروت، دکتر خالقی مطلق شاهنامهٔ مصحح خود و همکارانش را با این دست‌نویس مقابله کرده و بعد از اعمال تغییرات و اصلاحات لازم، ویرایش جدیدی از تصحیح‌شان را آماده کرده‌اند که زیر چاپ است و بخشی از این تصحیحات را می‌توان در افزوده‌ها (مستدرکات) ایشان بر چاپ دوم یادداشت‌های شاهنامه در ایران زیر نام «آویزه‌ای بر یادداشت‌های شاهنامه» مشاهده کرد (رک: خالقی مطلق، ۱۳۹۱: ۵۷-۲۱۵). جز این، خانم مهری بهفر در تصحیح و گزارش تازه‌ای از شاهنامه که کار آن را به پایان رسانده‌اند و تاکنون سه دفترش چاپ شده است، از نسخهٔ سن‌ژوزف استفاده کرده‌اند (رک: بهفر، ۱۳۹۱: یازده و هجده - بیست). در ویرایش نهایی مجلدات هفتم تا نهم چاپ مسکو هم این دست‌نویس مورد مقابله بوده است (رک: فردوسی، ۱۳۹۱: ۷/چهارده). باید پرسید چه ضرورتی دارد که دوباره دست‌نویس سن‌ژوزف مبنای ویرایش دیگری از شاهنامه واقع شود، درحالی‌که در سرانجام کار، اختلاف اساسی و نمایی - که از نظر علمی و فن تصحیح، برتر و پذیرفته‌تر باشد - با کوشش‌های دیگر به‌ویژه ویرایش دوم تصحیح دکتر خالقی مطلق نخواهد داشت. این ضرورت هنگامی بیشتر رنگ می‌بازد که توجه داشته باشیم کار ویرایش، گزارش، یادداشت‌ها و نسخه‌بدل‌های ۱۹۵ بیت دیباچه در یک مجلد عرضه شده است و اگر فرض کنیم که در مجلدات آتی ویراستار گرامی بتوانند تقریباً هر هزار بیت را در یک جلد به این شیوه چاپ کنند، کل متن شاهنامه حدود پنجاه جلد خواهد شد که کار آماده‌سازی و نشر آن چندین سال زمان می‌برد و نیازمند هزینه‌های بسیار است.

بر این اساس و با توجه به نکتهٔ روش‌شناختی دربارهٔ ویرایش شاهنامه بر پایهٔ یک نسخه و نیز در دست بودن چاپ عکسی خوش‌خوانی از متن دست‌نویس سن‌ژوزف، نگارنده با نهایت احترام و اعتقادی که به زحمات و علایق ویراستار محترم دارد، پیشنهاد می‌کند ایشان به‌جای صرف چند سال عمر و هزینه‌های فراوان برای چاپ پنجاه مجلد محتمل پیش‌گفته، تنها به بررسی مهم‌ترین ضابط‌های این نسخه و توضیح نکات جدید این‌گونه بیت‌ها - و نه همهٔ ابیات شاهنامه - در یک یا دو جلد بپردازند؛ این پژوهش هم علمی‌تر است و هم با صرفه‌جویی زمانی و مالی، آسان‌تر و بهتر در اختیار خواستاران قرار می‌گیرد.

در حاشیهٔ این سه پرسش، نکته و پیشنهاد، توضیحاتی نیز دربارهٔ برخی موضوعات و گزارش‌های این ویرایش به حضور ویراستار ارجمند و علاقه‌مندان تقدیم می‌کنم.

۶. همی [همی] برشد ابر و فرود آمد آب

همی گشت گرد زمین آفتاب

(بیت ۵۰)

در یادداشت‌ها نوشته‌اند: «در هشت دست‌نویس خالقی و نیز در مستوفی مصرع اول چنین است همی برشد آتش، فرود آمد آب که... اگر اصل باشد اشاره به آن است که از آفریدگان مادی نخست آسمان که سر آن به روشنایی بی کران (آتش) است آفرید و سپس از گوهر آسمان، آب را» (ص ۱۳۹). برای ضبط مذکور (همی برشد آتش فرود آمد آب) این معنا پیشنهاد می‌شود: «در ترتیب عناصر اربعه/ آخشیجان) آتش بالاتر و آب پایین‌تر از همه قرار گرفت.»

۷. ز یاقوت سرخ است چرخ کبود

نه از آب و باد و نه از گرد و دود

(فردوسی، ۱۳۸۶: ۱/۸/۷۴)

این بیت در نسخه سن ژوزف نیامده است و طبعاً در متن ویراسته دیباچه هم دیده نمی‌شود ولی ویراستار محترم در یادداشت بیت ۶۶ ضمن اشاره به نبود این بیت و چند بیت دیگر در نسخه اساس کارشان نوشته‌اند که شواهد و توضیحاتی در شاهنامه و منابع دیگر، احتمال اصلی بودن این بیت‌ها را تقویت می‌کند؛ از جمله درباره بیت مورد بحث گفته‌اند که: «یاقوت سرخ که در بندهش و مینوی خرد در جنس آسمان آمده است» (ص ۱۵۴). در این باره ذکر این نکته ضرورت دارد که در بندهش، مینوی خرد و دیگر متون پهلوی جنس آسمان - برخلاف بیت شاهنامه - نه از یاقوت سرخ، بلکه از سنگ، فلز درخشان، فولاد یا آبگینه دانسته شده است (رک: تفضلی، ۱۳۸۳: ۳۶۵؛ همو، ۱۳۸۴: ۵۲).

۸. پراکنده در دست هر موبدی

وزو بهره‌ای نزد هر بخردی

(بیت ۱۰۱)

در یادداشت‌ها نوشته‌اند: «با توجه به بیت پیشین که: یکی نامه بود از گه باستان که منظور خدای نامه بوده است، اکنون در این بیت می‌گوید که آن کتاب نزد موبدان در جاهای مختلف نگهداری می‌شود... نمی‌دانیم که آیا این خدای نامه را برای نگهداری از ترس از بین رفتن آن با برنامه‌ای مشخص و حساب‌شده بین موبدان در گوشه و کنار ایران بخش کرده بودند یا اینکه از سر اتفاق چنین شده است. به نظر نگارنده مورد اول درست‌تر است» (صص ۱۸۶ و ۱۸۷). «پراکندگی» نامه باستان (= خدای نامه) در بیت فردوسی، نگهداری بخش‌بخش آن در نقاط مختلف را نشان نمی‌دهد بلکه اشاره به این نکته است که در سده چهارم ظاهراً متن پهلوی خدای نامه ساسانی به صورت کامل و مدون وجود نداشت (رک: فیروزبخش، ۱۳۹۰: ۲۳۷) و به دلیل از بین رفتن آن در طول سال‌ها و سده‌ها تنها بخش‌هایی از آن به صورت پراکنده در اختیار موبدان باقی مانده بود.

۹. بیرویدشان از کبان جهان

وزان نامبردار فرخ مهان

(بیت ۱۰۵)

در شرح این بیت آمده است: «در شاهنامه، فرمانروایی کبان از کی قباد آغاز و با کیخسرو پایان می‌یابد.» (ص ۱۹۳). این جمله دقیق

نیست و بعد از کیخسرو، کی‌لهراسپ و کی‌گشتاسپ و سپس بهمن (کی‌اردشیر) و بنابر قولی همای، داراب و دارا نیز از سلسله کیانیان هستند و نباید آن را در پایان عهد کیخسرو پایان یافته دانست (رک: صفا، ۱۳۶۳: ۵۲۴-۵۴۶؛ کریستن‌سن، ۱۳۸۷: ۱۳۶-۱۴۵، ۱۷۱-۱۸۳ و ۲۱۱-۲۱۸).

۱۰. جوانی بیامد گشاده‌زبان

سخن گفتنی خوب و طبعی روان

(بیت ۱۱۱)

منظور از «جوان گشاده‌زبان» ابومنصور محمد بن احمد دقیقی بلخی دانسته شده است (ص ۱۹۶). باید گفت دقیقی به احتمال قریب به یقین اهل توس بوده است، نه بلخ و پیشنهاد می‌شود صفت «توسی» در پایان نام وی آورده شود (رک: خالقی مطلق، ۱۳۵۵: ۲۲۱-۲۴۸؛ همو، ۱۳۸۸: ۲۰۵).

۱۱. برفت او و این نامه ناگفته ماند

چنان بخت بیدار او خفته ماند

(بیت ۱۱۷)

بیت چنین معنا شده است: «او از جهان رفت و این کتاب نثر نیز به شعر درنیامد و مانند سرنوشت بیدار آن جوان خفته ماند.» (ص ۷۹). به نظر نگارنده «چنان» در مصراع دوم ادات تشبیه نیست و در معنای لغوی خود به کار رفته است. بنابراین چنین معنایی برای مصراع دوم پیشنهاد می‌شود: «آن گونه بخت بلند او ناگهان به افول گرایید (دقیقی تیره‌بخت شد).» مشابه این تعبیر چند بار دیگر در شاهنامه آمده که مؤید معنای پیشنهاد شده است؛ برای نمونه:

چنان بخت تابنده تاریک شد

همانا به شب روز نزدیک شد

(فردوسی، ۱۳۸۶: ۱۳۸۹/۲۳۹/۳)

سر جادوان را نگوسار کرد

چنان اختر خفته بیدار کرد

(همان: ۱۴۷۶/۲۶۵/۴)

۱۲. بیرویدم از هر کسی بی‌شمار

بترسیدم از گردش روزگار

(بیت ۱۲۰)

در شرح این بیت آمده است: «پس از هر کسی برای درست یا نادرست بودن راهیابی به درگاه شاه بخارا پرسیدم...» (ص ۷۹). با توجه به بیت‌های پیش و پس و موضوع سخن این بخش، مراد فردوسی در مصراع نخست طلب راهنمایی برای درستی یا نادرستی قصد سفر به بخارا نیست، بلکه می‌گوید به منظور دستیابی به نسخه‌ای از شاهنامه منشور ابومنصور از کسان مختلف درباره این کتاب، فراوان پرس‌وجو کردم (تا شاید آن را زودتر بیابم و کار نظم را آغاز کنم).

۱۳. نیشتم من این دفتر پهلوی

به پیش تو آرم، نگر نغوی

(بیت ۱۲۶)

در معنای این بیت می‌خوانیم: «من نسخه‌ای از شاهنامه ابومنصور [یا شاهنامه به زبان پهلوی] را نوشته‌ام و دارم...» (ص ۷۹). درباره «دفتر پهلوی» نیازی به تردید و افزودن عبارت «یا شاهنامه به زبان



از نسخه قاهره - مذکور در فهرست ایشان - کتابت شده‌اند (رک: خالقی مطلق، ۱۳۶۹).

نکته دیگر اینکه در میان چاپ‌های معتبر شاهنامه، افزون بر تصحیح دکتر خالقی مطلق و چاپ مسکو حتماً باید از تصحیح آقای مصطفی جیحونی (اصفهان، شاهنامه پژوهی، ۱۳۷۹) هم نام برد که حاصل کوشش‌ها و دقت‌های دوازده‌ساله مصححی بی‌ادعا است و در بسیاری از ضبط‌ها و قرائت‌ها از نظر اعتبار و صحت بر چاپ معروف و پرارجاع مسکو رجحان دارد اما همچنان که نگارنده چندین بار صریحاً انتقاد کرده است نوعی مشی خاموشی و فراموشی درباره این چاپ در نزد برخی محققان بیش گرفته شده که هرگز علمی و ستوده نیست. همچنین با توجه به تاریخ مقدمه و ویرایش طاهری مبارکه (زمستان ۱۳۹۲) پیشنهاد می‌شود که از ویرایش نهایی چاپ مسکو (تهران، سروش با همکاری دانشگاه خاورشناسی مسکو، ۱۳۹۱) نیز که در اردیبهشت ۱۳۹۲ منتشر شده، به‌عنوان یکی از چاپ‌های معتبر شاهنامه یاد شود.

۳. از آنجا که ویراستار گرامی نسخه سن ژوزف را اساس چاپ خود قرار داده است، پیشنهاد می‌شود در معرفی و بررسی این نسخه غیر از مقالاتی که در صفحه ۳۶ بدان اشاره کرده‌اند (نوشته‌های زنده یاد استاد افشار، دکتر خالقی مطلق و دکتر امیدسالار در نسخه‌گردان این متن و مقاله آقای مصطفی جیحونی در مجله جستارهای ادبی)، به دو گفتار دیگر هم توجه داشته باشند: نخست، مقاله دکتر مصطفی موسوی، کاشف و معرف این نسخه در مجله نامه بهارستان که مشخصات آن در یادداشت شماره ۱ آورده شده است و دیگر، نوشته‌ای از نگارنده این سطور با نام «نکته‌هایی از شاهنامه سن ژوزف بیروت» در نامه بهارستان، سال یازدهم، دفتر ۱۷، ۱۳۸۹، صص ۲۶۷-۲۷۸.

۴. دکتر طاهری مبارکه نوشته‌اند: «... شرح دانشمند عزیز دکتر دبیرسیاقی حرفی برای گفتن نگذاشته است.» (ص ۴۷). این جمله چندان روشن و دقیق نیست؛ زیرا در شاهنامه دکتر دبیرسیاقی (تهران، قطره، ۱۳۸۶) توضیحات کوتاهی درباره معنای برخی لغات، ترکیبات و ابیات آمده که نباید آن را شرح در مفهوم اصطلاحی دانست. در هر حال، اگر مراد، اشاره به شروع شاهنامه باشد، غیر از یادداشت‌های شاهنامه دکتر خالقی مطلق و همکارانشان باید از نامه باستان نه‌جلدی دکتر میر جلال‌الدین کزازی و توضیح بیت به بیت خانم مهری بهفر بر شاهنامه طبع خویش - که البته همه مجلداتش منتشر نشده - یاد کرد.

۵. در فهرست آثاری که درباره بلاغت و موسیقی شعر شاهنامه به رشته تحریر درآمده‌اند، این دو کتاب نیز به چشم می‌خورد:

- پارساپور، زهرا، ۱۳۸۳، مقایسه زبان حماسی و غنایی. تهران: دانشگاه تهران.

- رادمنش، عظامحمد، ۱۳۸۵، تحول و سیر ردیف در سبک خراسانی. اصفهان: دانشگاه آزاد اسلامی واحد نجف‌آباد.

اما کتاب نخست براساس اسکندرنامه و خسرو شیرین نظامی نوشته شده است و ربطی به شاهنامه ندارد و در کتاب دوم تنها بخشی (صص ۱۴۴-۱۷۴) درباره شاهنامه دیده می‌شود.

۶. در ارجاعات زیرنویس‌ها شیوه یکسانی به‌کار برده نشده است؛

پهلوی» نیست؛ زیرا اشاره این بیت و ابیات قبل و بعد به شاهنامه ابومنصوری است و این کتاب چنان که از مقدمه باقی‌مانده‌اش معلوم می‌شود به زبان فارسی دری بوده است نه پهلوی (فارسی میانه). پس تعبیر «شاهنامه به زبان پهلوی» در این مورد درست و دقیق نیست. «پهلوی» در بیت مورد بحث - همان‌گونه که خود ویراستار محترم هم در یادداشت بیت ۱۲۴ اشاره کرده‌اند - هم می‌تواند به معنای «فارسی دری کهن» باشد (رک: امیدسالار، ۱۳۷۸: ۲۴۰ و ۲۴۱؛ صادقی، ۱۳۸۹: ۲-۳۲) و هم در معنی «پهلوانی، درباره یلان و روایات آن‌ها» (رک: لازر، ۱۳۸۴: ۱۳۷).

۱۴. چو خورشید بر گاه بنمود تاج

زمین شد به کردار تابنده عاج

(بیت ۱۵۰)

در این باره دکتر طاهری مبارکه نوشته‌اند: «[سلطان محمود] مانند خورشیدی که بر تخت (پهنه آسمان) تاجش نمایان می‌شود، تاج بر سر نهاد...» (ص ۸۲). معنای مصراع نخست دقیق نیست و این گزارش پیشنهاد می‌شود: «محمود بر تخت نشست و تاجش را که در شکوهمندی مانند خورشید بود، بر سر نهاد و نمایان کرد.» در این معنا، فاعل مصراع اول (نشیننده بر گاه) سلطان محمود است، نه خورشید.

۱۵. یکی پاک دستور پیشش به پای

به داد و به دین شاه را رهنمای

(بیت ۱۶۱)

در گزارش مصراع نخست آمده است: «وزیر درستکار و صالحی (ابوالعباس اسفراینی) نزدش به پای ایستاده بود...» (ص ۸۳). در ذکر نام وزیر مورد ستایش در این بیت سهوی دیده می‌شود؛ زیرا همان‌گونه که در یادداشت مربوط به این بیت به‌درستی آمده است، باید «پاک دستور» را فضل بن احمد اسفراینی دانست.

ب) چند نکته دیگر

۱. در پیشگفتار که متأسفانه فاقد شماره صفحات است، تعاللی هم از جمله تلخیص کنندگان خدای‌نامه در عصر اسلامی معرفی شده که این مسئله درست نیست. تعاللی کتاب غرر اخبار ملوک‌الفرس و سیرهم خویش را عمدتاً براساس شاهنامه ابومنصوری تألیف کرده و احتمالاً تنها در برخی اشارات و روایات از متن پهلوی یا ترجمه‌های عربی خدای‌نامه بهره برده است (رک: یاحقی، ۱۳۹۱: ۷۱۴-۷۱۶) که به‌صرف آن نمی‌توان این کتاب را خلاصه خدای‌نامه به‌شمار آورد.

۲. در همان پیشگفتار، نسخ، چاپ‌ها و ترجمه‌هایی از شاهنامه که بیش از همه مورد توجه پژوهشگران قرار گرفته، چنین معرفی شده است: شاهنامه چاپ مسکو، نسخه لندن (۶۷۵ق)، نسخه فلورانس (۶۱۴ق)، دست‌نویس قاهره (۷۴۱ق)، تصحیح دکتر خالقی مطلق، ترجمه عربی بنداری و نسخه سن ژوزف. درباره دست‌نویس‌های شاهنامه باید اشاره کرد که غیر از چهار نسخه یاد شده، حداقل دوازده دست‌نویس معتبر دیگر هم از این متن وجود دارد که در بین آن‌ها دو نسخه تویقاپوسرای (۷۳۱ق) و لنینگراد (۷۴۱ق) پیش

_____ ، ۱۳۸۸ الف، «بررسی و ارزیابی شاهنامه سن ژوزف»، نامه بهارستان، سال دهم، شماره ۱۵، صص ۱۹۳-۲۱۰.

_____ ب، ۱۳۸۸، «دقیقی»، دانشنامه زبان و ادب فارسی، به سرپرستی اسماعیل سعادت، ج ۳، تهران: فرهنگستان زبان و ادب فارسی، صص ۲۰۵ و ۲۰۶.

_____ ، ۱۳۹۰ الف، «یادداشت‌هایی در تصحیح انتقادی بر مثال شاهنامه»، شاهنامه از دست‌نویس تا متن، تهران: مرکز پژوهشی میراث مکتوب، صص ۲۶۳-۳۷۱.

_____ ، ۱۳۹۰ ب، «قواعد و ضوابط تصحیح متن شاهنامه»، شاهنامه از دست‌نویس تا متن، تهران: مرکز پژوهشی میراث مکتوب، صص ۲۲۱-۲۶۲.

_____ ، ۱۳۹۱، «یادداشت‌های شاهنامه (با اصلاحات و افزوده‌ها)، با همکاری دکتر محمود امیدسالار و ابوالفضل خطیبی، چاپ دوم، تهران: مرکز دایرةالمعارف بزرگ اسلامی.

_____ خطیبی، ابوالفضل، ۱۳۸۵، «انتخاب اقدم یا ترجیح اصح؟» (۱) و (۲) (نقدی بر شاهنامه چاپ مسکو)، درباره شاهنامه، تهران: مرکز نشر دانشگاهی، صص ۱۵۰-۲۲۵.

_____ ، ۱۳۸۶، «استفاده منطقی از منابع جنبی در تصحیح شاهنامه»، نامه انجمن، سال هفتم، شماره اول (پیاپی ۲۵)، صص ۵۳-۶۶.

_____ صادقی، علی‌اشرف، ۱۳۸۹، «یک معنی ناشناخته کلمه پهلوی در زبان فارسی»، فرهنگ‌نویسی، جلد سوم، شماره پیاپی ۳، صص ۲-۳.

_____ صفا، ذبیح‌الله، ۱۳۶۳، حماسه‌سرایی در ایران، چاپ سوم، تهران: امیرکبیر.

_____ طاهری مبارکه، غلام‌محمد، ۱۳۹۲، نامه خسروان (ویرایش و گزارش شاهنامه براساس دست‌نویس سن ژوزف بیروت)، ج ۱ (دیباچه شاهنامه)، تهران: آراد کتاب.

_____ فردوسی، ابوالقاسم، ۱۳۷۵، شاهنامه از دست‌نویس موزة فلورانس، به کوشش دکتر عزیزالله جوینی، ج ۱، تهران: دانشگاه تهران.

_____ ، ۱۳۸۶، شاهنامه، تصحیح دکتر جلال خالقی مطلق (دفتر ششم با همکاری دکتر محمود امیدسالار و دفتر هفتم با همکاری ابوالفضل خطیبی)، تهران: مرکز دایرةالمعارف بزرگ اسلامی.

_____ ، ۱۳۹۱، شاهنامه، به تصحیح و اهتمام محمد نوری عثمانوف و رستم موسی علی‌اف، زیر نظر مهدی قریب، تهران: سروش با همکاری دانشگاه خاورشناسی مسکو.

_____ فیروزبخش، پژمان، ۱۳۹۰، «خدای‌نامه»، دانشنامه جهان اسلام، زیر نظر دکتر غلامعلی حداد عادل، ج ۱۵، تهران: بنیاد دایرةالمعارف اسلامی، صص ۲۳۶-۲۴۱.

_____ کریستن سن، آرتور، ۱۳۸۷، کیانیان، ترجمه دکتر ذبیح‌الله صفا، چاپ هفتم، تهران: علمی و فرهنگی.

_____ لازار، ژیلبر، ۱۳۸۴، شکل‌گیری زبان فارسی، تهران: هرمس.

_____ موسوی، مصطفی، ۱۳۸۶، «نسخه‌های کهن از شاهنامه فردوسی»، خلاصه‌مقالات حکمت فردوسی، مشهد: دانشگاه فردوسی، صص ۲۹ و ۳۰.

_____ یاحقی، محمدجعفر، ۱۳۹۱، «غزالی‌سیر»، دانشنامه زبان و ادب فارسی، به سرپرستی اسماعیل سعادت، ج ۴، تهران: فرهنگستان زبان و ادب فارسی، صص ۷۱۴-۷۱۶.

گاه ارجاع براساس نام خانوادگی مؤلف است و گاه به نام کتاب. از آنجا که فهرست منابع مطابق با نام خانوادگی صاحبان آثار تنظیم شده، بهتر است همه ارجاعات زیرنویس‌های متن نیز به این روش یکدست شود. در فهرست منابع هم نام مقاله «مقدمه بر شاهنامه کزازی» باید به «مقدمه‌ای بر شاهنامه‌گزازی» تغییر یابد و در ذکر مشخصات مأخذ «فاطمی، حسین، «حدیث در شاهنامه»، اینترنت» نشانی دقیق پایگاه اینترنتی استفاده‌شده بیاید.

پی‌نوشت

* دانشیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه پیام نور اورمیه

aydenloo@gmail.com

۱. رک: خالقی مطلق، جلال، ۱۳۸۷-۱۳۸۶، «دست‌نویس نویافته از شاهنامه فردوسی»، نامه بهارستان، سال هشتم و نهم، دفتر ۱۳ و ۱۴، صص ۲۰۹-۲۷۸؛ موسوی، مصطفی، ۱۳۸۷-۱۳۸۶، «نسخه‌های کهن از شاهنامه فردوسی»، همان‌جا، صص ۲۷۹-۲۸۳.

۲. برای آگاهی کامل درباره نسخه شاهنامه سن ژوزف باید به مقدمه‌های عالمانه مرحوم استاد افشار، دکتر خالقی مطلق و دکتر امیدسالار بر نسخه‌برگردان آن مراجعه کرد.

۳. نگارنده نمی‌داند آیا مرحوم دکتر جوینی جلد هشتم این مجموعه را نیز که با آن، متن ناقص نسخه فلورانس به پایان می‌رسد، برای چاپ آماده کرده‌اند یا بیماری و فوت، فرصت این کار را به ایشان نداده است؟

۴. دکتر خالقی مطلق در پایان معرفی نسخه سن ژوزف نوشته‌اند: «این دست‌نویس نیز مانند همه دست‌نویس‌های دیگر شاهنامه که تاکنون شناخته‌ایم، نمی‌تواند به‌طور مطلق اساس پیرایش متن شاهنامه قرار بگیرد» (خالقی مطلق، ۱۳۸۸ الف: ۲۰۸).

کتاب‌نامه

_____ امیدسالار، محمود، ۱۳۷۸، «در معنای دفتر/ نامه پهلوی در شاهنامه»، ایران‌نامه، سال هفدهم، شماره ۶۶ صص ۲۳۹-۲۵۱.

_____ برگ‌نسیسی، کاظم، ۱۳۸۶، شاهنامه (با توضیح واژه‌ها و معنای ابیات)، ج ۱، چاپ دوم (ویراست نخست)، تهران: فکر روز.

_____ بهفر، مهری، ۱۳۹۱، شاهنامه فردوسی (تصحیح انتقادی و شرح یک‌یک ابیات)، دفتر یکم، تهران: نشر نو.

_____ تفضلی، احمد، ۱۳۸۳، «آسمان در عقاید زرتشتیان»، دایرةالمعارف بزرگ اسلامی، زیر نظر محمدکاظم موسوی بجنوردی، ج ۱، چاپ پنجم، تهران: مرکز دایرةالمعارف بزرگ اسلامی، صص ۳۶۵.

_____ ، ۱۳۸۴، «آسمان»، دانشنامه زبان و ادب فارسی، به سرپرستی اسماعیل سعادت، ج ۱، تهران: فرهنگستان زبان و ادب فارسی، صص ۵۲ و ۵۳.

_____ خالقی مطلق، جلال، ۱۳۵۵، «آیا طوس زادگاه دقیقی است؟»، یادنامه دقیقی، تهران: وزارت فرهنگ و هنر، صص ۲۲۱-۲۴۸.

_____ ، ۱۳۶۹، گفتاری در شیوه تصحیح شاهنامه و معرفی دست‌نویس‌ها (ضمیمه دفتر یکم)، تهران: روزبهان.

_____ ، ۱۳۸۱، «اهمیت و خطر مأخذ جنبی در تصحیح شاهنامه»، سخن‌های دیرینه، به کوشش علی دهباشی، تهران: افکار، صص ۲۸۵-۳۱۲.